



بسم الله الرحمن الرحيم (1)

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين سيما بقیة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز؛ چه زوار و حج گزاران خوشبخت و سعادت‌مندی که امسال چشمشان به دیدار کعبه‌ی منوره و مرقد نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمه‌ی بقیع روشن خواهد شد، و چه عوامل برگزارکننده‌ی این حرکت عظیم کشوری و مردمی. از دست‌اندرکاران اجرای حج، بنده صمیمانه تشکر میکنم؛ زحماتشان حقیقتاً ارزشمند است و برگزاری یک حج سالم باشکوه معنوی منطبق با ضوابط مطلوب اسلامی حج، حقیقتاً یک توفیق بزرگی است که بخش مهمی از آن را شما عوامل اجرای حج بر عهده دارید. خداوند ان شاء الله از شما قبول کند و شماها را محفوظ بدارد.

درباره‌ی حج زیاد صحبت شده است؛ بزرگان، دیگران، فرموده‌اند، ما هم مطالبی عرض کرده‌ایم، لکن در حج بیش از اینها حرف هست و بحث هست و نکته هست؛ کما اینکه در یک روایتی هم از امام معصوم (علیه السلام) همین معنا نقل شده است که راوی به حضرت عرض میکند که ما سالها است از شما راجع به حج می‌پرسیم، شما همین‌طور مطالب جدیدی را بیان میکنید، حضرت هم تصدیق میکنند، پاسخ مناسبی میدهند.

آنچه من امروز میخواهم عرض بکنم، این است که حج یک فریضه‌ی چندلایه و چندبُعدی و پرمضمونی است؛ هم جنبه‌ی معنوی آن، هم جنبه‌ی مادی آن دارای ابعاد گوناگون است، لکن به نظر این حقیر دو نکته در حج جزو نکات برجسته‌ی حج است که یک نکته مربوط میشود به درون انسان، باطن انسان، روح انسان - که تولیدکننده‌ی علم و معرفت و عزم است - یک نکته هم مربوط میشود به زندگی اجتماعی.

آن نکته‌ای که مربوط به درون انسان و باطن انسان و تربیت انسان و پرورش عزم و اراده‌ی صحیح در انسان است، عبارت است از مسئله‌ی «ذکر». در حج، ذکر یک عنصر بسیار مهمی است. شما نگاه کنید از اول تا آخر حج، از احرام و مقدمات احرام تا انجام عمره، بعد احرام حج، بعد وقوف و بقیه‌ی اعمال حج، سر تا پا متضمن ذکر و یاد خدا است. لذا در قرآن کریم در موارد متعددی در همین زمینه‌ی حج، امر به ذکر شده است؛ همین آیاتی که تلاوت کردند، و از جمله‌ی این آیات: «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ»، (۲) «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ»، (۳) «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ»، (۴) «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ»؛ (۵) همه‌اش ذکر؛ سر تا پا؛ چه در طواف، چه در سعی، چه در نماز طواف، چه در وقوف عرفات، چه در مشعر، چه در اعمال منی. سر تا پای حج ذکر است، توجه به خدا است. این ذکر، منشأ زندگی است؛ مهمت‌ش این است. وقتی ما یاد خدا در دلمان بود و خشیت الهی بر اثر یاد خدا بر دل ما سایه افکند، این در حرکت زندگی ما، در اراده‌ی ما، در عزم ما، در تصمیم‌گیری‌های بزرگ ما اثر خواهد گذاشت. ملتی که احتیاج دارد به کارهای اساسی و بزرگ، آحادش باید با ذکر خدا مانوس باشند.

ما گاهی سفارش میکنیم به حجاج محترم و عزیزمان که در مکه و مدینه به فکر آن چیزی باشید که جز در آن سرزمین گیر آدم نمی‌آید، نه به فکر آن چیزهایی که در همه‌جا هست؛ بازار همه‌جا هست، جنس و چیزهای چشم‌نواز و چشمگیر همه‌جا هست؛ آن [چیزی] که همه‌جا نیست کعبه است، مسجد الحرام است، طواف است، زیارت



قبر مطهر پیغمبر است ؛ این است که فقط آنجا است ؛ این چند روزی که آنجا هستید، این را دریابید ؛ قدر این را بدانید. این تأکید ما به خاطر همین است که اگر ما متذکر باشیم، یاد خدا باشیم، «فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، (۶) دنبال ذکر، «فلاح» است. فلاح فقط رستگاری معنوی و روحی نیست ؛ فلاح یعنی موفقیت، یعنی نجات، یعنی در همه‌ی کارها به هدف و مقصد دست یافتن ؛ اینها ناشی از ذکر است ؛ این یک عنصر اساسی حج، که مربوط به درون انسان است اما سازنده‌ی زندگی انسان است.

اما آنچه مربوط به محیط اجتماعی است، مسئله‌ی «وحدت» است، مسئله‌ی یکپارچگی است، مسئله‌ی یکی دیدن است، مسئله‌ی ارتباط با آحاد مسلمان است ؛ این مسئله‌ی خیلی مهمی است در حج. مکرر ما عرض کرده‌ایم که خدای متعال به وسیله‌ی حضرت ابراهیم (علیه السلام) نه فقط یک عده‌ی خاصی را، آحاد مردم را [به حج دعوت کرد]: «وَ اذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» ؛ (۷) [میفرماید] ناس را، همه‌ی مردم را، همه‌ی آحاد بشر را دعوت کن برای حج. دعوت الهی همه‌ی آحاد مردم در یک چند روز معین، در یک جای مشخص، هر سال، معنایش چیست؟ معنایش این است که اراده‌ی الهی – اراده‌ی تشریحی الهی – بر این قرار گرفته است که آحاد مسلمانها به هم نزدیک بشوند، همدیگر را بشناسند، با هم همفکری کنند، با هم تصمیم بگیرند ؛ خلأ بزرگ امروز ما این است: «با هم تصمیم بگیرند». یک جا جمع بشوند که این جمع شدن یک خروجی مطلوبی برای عالم اسلام داشته باشد، بلکه برای بشریت داشته باشد ؛ ما دنبال این هستیم. البته مقدمه‌اش تفاهم است، از ملیتها عبور کردن، از تفرقه‌های مذهبی و فرقه‌ای عبور کردن. مذاهب مختلفی در اسلام هستند که اینها در کنار هم، همه یک جور، همه با یک لباس، همه با یک حرکت، همه در یک نقطه [در حج گرد می‌آیند] ؛ این اجتماع الهی است، این اجتماع اسلامی است، این جنبه‌ی بارز و روشن سیاسی حج است. این دو نکته در حج وجود دارد: هم نکته‌ی «ذکر»، هم نکته‌ی «اتحاد و وحدت اسلامی». حالا البته در قرآن، در کلمات رسول مکرّم اسلام و بزرگان اسلام مسئله‌ی عدم تفرّق، مخصوص حج نیست ؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا» (۸) و آیات متعدد قرآن، از تفرّق و دشمنی با یکدیگر و مانند اینها نهی میکند مسلمانها را. خب، حالا این دو نقطه‌ی برجسته‌ی حج.

من اشاره کنم به اینکه در صحبت از حج باید نام مبارک جناب ابراهیم (علیه الصلاة و السلام) حتماً فراموش نشود. در قرآن درسهای زیادی از ناحیه‌ی حضرت ابراهیم به ما داده شده که قرآن اینها را نقل میکند. یکی اش همین دعوت به حج است که «اذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» ؛ و دستور به مردم که «وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى» ؛ (۹) جایی که او ایستاده، آنجا نماز بخوانید، آنجا را محلّ نماز قرار بدهید. یا «عَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ». (۱۰) از این تطهیری که [به آن] مأمور شدند، انسان احساس میکند که قبل از حضرت ابراهیم یک مشکلاتی در این محل وجود داشته است که این بزرگوار علاوه بر اینکه قواعد (۱۱) بیت و پایه‌های خانه را بالا میبردند، تطهیر هم میکردند از آن خبائثی که حالا خیلی در تاریخ و در روایات ما روشن و دقیق نیست که چه بوده. بر همین اساس بنده عرض میکنم امسال حجّ ما، «حجّ برائت» است، بنا بر تعالیمی که جناب ابراهیم به ما داده. البته از اوایل انقلاب برائت وجود داشته ؛ از اوّل انقلاب در حج، برائت وجود داشته است، جاری شده است، باید هم بماند و باشد ؛ لکن بالخصوص حجّ امسال، حجّ برائت است.

این حوادثی که حالا در غزه پیش می‌آید و این حادثه‌ی عجیب و عظیم، این آشکار شدن چهره‌ی خون‌آشام یک مجموعه‌ی برخاسته‌ی از تمدن غربی، اینها چیزهایی است که توجه به آن، مخصوص امروز و این روزها نیست ؛ این در تاریخ خواهد ماند. آنچه امروز در غزه و فلسطین دارد اتفاق می‌افتد، این حملات وحشیانه و سگ‌ها صهیونیست و عناصر خون‌آشام صهیونیست از یک طرف، آن مظلومیّت و در عین حال مقاومت مردم مسلمان غزه از یک طرف، هر کدام یک نشانه‌ی عظیمی است در تاریخ، یک شاخصی است در تاریخ، که اینها میماند. اینها شاخصهای مهمی است که راه را به آینده‌ی بشریت نشان خواهد داد. ملاحظه میکنید که همین امروز، بازتاب این حادثه در جوامع



غیرمسلمان، یک حادثه‌ی شگفت‌انگیز و بی‌سابقه است. این اتفاقی که الان در دانشگاه‌های آمریکا و بعضی از کشورهای دیگر می‌افتد، (۱۲) اصلاً سابقه که ندارد هیچ، اگر کسی ادعا میکرد که ممکن است یک روز چنین چیزی پیش بیاید، هیچ کس باور نمیکرد؛ کسی حدس نمیزد که چنین اتفاقی بیفتد! این نشان‌دهنده‌ی آن است که اینها شاخص است.

خب، وظیفه‌ی ما چیست؟ از حضرت ابراهیم یاد بگیریم. شما ملاحظه کنید، حضرت ابراهیم (علیه السلام) جزو پیغمبرهای دل‌رحم است. پیغمبرها از لحاظ خصوصیات اخلاقی همه یک جور نبودند. حضرت ابراهیم خیلی دل‌رحم [بوده]؛ مثلاً وقتی ملائکه می‌خواهند بروند دیار لوط را عذاب کنند، حضرت ابراهیم با اینها بحث میکند که اگر میشود مثلاً به آنها رحم کنید. يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ؛ (۱۳) یعنی پیش ملائکه‌ی الهی می‌خواهد وساطت کند، شفاعت کند که به آنها رحم کنید؛ یعنی یک چنین موجودی است – در بعضی از پیغمبران دیگر اوضاع یک جور دیگر است؛ حالا حضرت ابراهیم را می‌خواهم عرض بکنم – یا در این آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی ابراهیم [میفرماید]: فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ كَافِرٌ بَدِيدٌ (۱۴) آنهایی که از من پیروی میکنند که خیلی خب پیروی میکنند، پیروان من هستند؛ [اما] نمی‌گویید پروردگارا! آنهایی را هم که حرف من را گوش نمی‌کنند، اصلاحشان کن یا هدایتشان کن یا عذابشان کن؛ می‌گوید: فَإِنَّكَ كَافِرٌ بَدِيدٌ؛ از آنها هم بگذر، به آنها هم بخشش کن؛ یک چنین دل‌رحیم و رئوفی دارد. در مورد غیرمسلمان‌هایی که با اسلام سر ستیزه‌گری ندارند، در سوره‌ی ممتحنه، بعد از آنچه از حضرت ابراهیم نقل میشود، این آیات است که آن هم معلوم میشود مربوط به حضرت ابراهیم است: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ. (۱۵) یعنی اگر هم‌دین شما هم نیست اما با شما ستیزه‌گری ندارد، نسبت به او با عدالت برخورد کنید، با انصاف برخورد کنید، به او نیکی کنید؛ یعنی با غیرمسلمانی که با شما ستیزه‌گری ندارد، کاری به کار شما ندارد، شما را اذیت نمی‌کند.

یعنی ابراهیم یک چنین شخصیتی است؛ با عاصی آن جور، با غیرمسلمان این جور. [اما] ببینید همین ابراهیم نسبت به یک جماعت دیگری چه جوری برخورد میکند: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ حَدَهُ؛ (۱۶) ببینید، با یک جماعتی – جماعت دشمن ستیزه‌گر – این جوری برخورد میکند! همان ابراهیم رحیم و رئوف و دود که برای قوم لوط شفاعت میکند، برای عاصی‌ها طلب مغفرت میکند و معتقد است به کفاری که ستیزه‌گری ندارند باید نیکی کرد، همین ابراهیم در یک جا هم این جور محکم می‌ایستد و اظهار برائت میکند: إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ؛ ما برائت داریم از شما، وَ بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ؛ بین ما و شما دشمنی آشکاری است، ما صریحاً با شما دشمنیم و دشمنی میکنیم. اینها چه کسانی هستند؟ آن کسانی‌اند که ستیزه‌گری میکنند. آن وقت، در همین آیه‌ی سوره‌ی ممتحنه، دنباله‌ی آن آیه‌ای که قبلاً خواندم – که این هم باز مربوط میشود به فضای ذهنی حضرت ابراهیم – می‌فرماید: إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ؛ (۱۷) با آن کسانی که شما را به قتل میرسانند، با شما می‌جنگند، شما را از خانه و دیارتان بیرون میکنند یا کمک میکنند به کسانی که شما را از خانه و دیار بیرون کردند، حق ندارید ارتباط برقرار کنید و دست دوستی به اینها بدهید؛ حق ندارید! یعنی باید بینتان دشمنی باشد؛ همان [چیزی] که ابراهیم فرمود: بَدَا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَ الْبَغْضَاءُ.

خب امروز در دنیا کیست که با مسلمانها دشمنی میکند، ستیزه‌گری میکند، آنها را میکشد – ز نشان را، مردشان را، فرزندشان را – و آنها را از خانه و دیارشان بیرون میکند؟ چه کسی است؟ دشمن صهیونیست روشن‌تر از این در قرآن توصیف بشود؟ فقط هم دشمن صهیونیست نیست: وَ ظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ؛ کسانی که کمک میکنند به او. چه کسی کمک میکند؟ اگر کمک آمریکا نبود، رژیم صهیونیستی قدرت داشت و جرئت داشت که این جور وحشیانه با مردم مسلمان، با زن و مرد، با کودک، در آن محیط محدود این جور رفتار بکند؟ نمیشود با این دشمن با روی خوش



برخورد کرد؛ نمیشود با آنها با ملایمت رفتار کرد؛ چه آن که مباشر قتل است، چه آن که معاون قتل و پشتیبان قتل است، چه آن که خانه را ویران میکند، چه آن که از ویران کننده‌ی خانه پشتیبانی میکند: وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ (۱۸) اگر کسی با اینها دست دوستی داد، ستمگر است، ظالم است؛ اَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ. (۱۹) نصّ قرآن، آیات قرآن اینها است. پس امسال برائت از همیشه بارزتر است. حجّ امسال، حجّ برائت است.

بایستی حجّاج مؤمن – چه ایرانی و چه غیرایرانی؛ از هر جا که هستند – بتوانند این منطق قرآنی را به همه‌ی دنیای اسلام منتقل کنند. امروز فلسطین به این احتیاج دارد؛ به پشتیبانی دنیای اسلام احتیاج دارد. بله، جمهوری اسلامی منتظر این و آن نماند و نمیماند، لکن اگر چنانچه دستهای قوی ملت‌های مسلمان و دولتهای مسلمان از اطراف بیایند و همراهی بکنند، تأثیرش خیلی بیشتر میشود؛ دیگر این حالت رقت‌بار مردم فلسطین این جور ادامه پیدا نمیکند؛ این وظیفه است. (۲۰) (شما که آماده‌اید، خدا کاری کند دنیای اسلام آماده بشود؛ ان شاءالله.)

راجع به وضع حجّاج محترم هم از زحماتی که چه بعثه، چه سازمان – هر کدام در نقش خودشان – و چه بقیه‌ی دستگاه‌های مربوط به سلامت و امنیت و رفت و آمد و حمل و نقل و بقیه‌ی مسائل حجّاج [میکشند و] تلاش میکنند، ما تشکر میکنیم؛ و تأکید میکنیم که برای آسایش حجّاج ایرانی و انجام یک حجّ مبرور و مقبول، هر چه میتوانند برنامه‌ریزی کنند؛ این برنامه‌ریزی لازم دارد. خب بحمدالله کارهای خوبی انجام گرفته و انجام میگردد لکن برای اینکه این فاصله‌ی بین کاری که ما امروز میکنیم و کاری که انتظار داریم بتوانیم انجام بدهیم پُر بشود، باید ان شاءالله برنامه‌ریزی کنیم، خدای متعال هم ان شاءالله به شما کمک خواهد کرد. از خداوند، تفضلاتش را، رحمتش را، مغفرتش را برای امام بزرگوارمان، برای شهیدایمان، برای گذشتگانمان مسئلت میکنیم.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجّت الاسلام والمسلمین سیّد عبدالفتاح نواب (نماینده ی ولیّ فقیه در امور حج و سرپرست حجّاج ایرانی) و آقای سیّدعباس حسینی (رئیس سازمان حج و زیارت) مطالبی بیان کردند.
- ۲) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۹۸؛ «... پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعرالحرام یاد کنید...»
- ۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۳؛ «و خدا را در روزهایی معین یاد کنید...»
- ۴) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۰۰؛ «... همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آورید، با یادکردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید...»
- ۵) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۳۶؛ «... پس نام خدا را بر آنها در حالی که بر پای ایستاده‌اند ببرید...»
- ۶) سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۴۵. و سوره‌ی جمعه، بخشی از آیه‌ی ۱۰
- ۷) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۲۷؛ «و در میان مردم برای [اداء] حج بانگ برآور...»
- ۸) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید...»
- ۹) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۵؛ «... در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید...»
- ۱۰) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۲۵؛ «... و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید.»
- ۱۱) پایه‌ها

۱۲) اشاره به اعتراضات ضدصهیونیستی دانشجویان دانشگاه‌ها در دنیا، از جمله در آمریکا و اروپا که به ضرب و شتم و دستگیری شماری از آنها منجر گردید.

۱۳) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۷۴

۱۴) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۳۶



- ۱۵) سوره‌ی ممتحنه، آیه‌ی ۸
- ۱۶) سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با او هستند سرمشقی_ نیکو است؛ آنگاه که به قوم خود گفتند: "ما از شما و از آنچه به جای خدا می‌پیرستید بیزاریم؛ به شما کفر می‌ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه‌ی همیشگی پدیدار شده، تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید." ...»
- ۱۷) سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۹
- ۱۸) سوره‌ی ممتحنه، بخشی از آیه‌ی ۹؛ «... و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند.»
- ۱۹) سوره‌ی هود، بخشی از آیه‌ی ۱۸؛ «... هان! لعنت خدا بر ستمگران باد.»
- ۲۰) شعار حضار: «ای رهبر آزاده / آماده‌ایم، آماده»